

به نام خدا

تمرین دوم درس فلسفه اخلاق

نگارنده: آئیریا محمدی

مدرس: دکتر امید آهنچی

پرسش: راه کارهای دستیابی به نظام اخلاقی مطلوب و پایبندی به آن در زندگی روزمره را همراه با دسته بندی مرقوم فرمایید.

مقدمه:

یکی از دستاوردهای ما در کلاس ارائه راه کارهایی برای دستیابی به نظام اخلاقی مطلوب بود. در این جا علاوه بر مروری مختصر بر آن‌ها با تاکید بر تحقق پایداری به دنبال راه کارهای دیگر نیز می‌گردیم و سپس راه هایی برای پایبندی به نظام به دست آمده ارائه می‌دهیم و سعی بر دسته بندی آن‌ها می‌کنیم.

راه کارهایی برای دستیابی و تحقق نظام اخلاقی مطلوب:

۱- خدا محوری در زندگی

هرچه بیشتر چراغ یاد خدا در قلب ما روشن‌تر باشد و کمتر غرق در حواس پرتی‌های دنیایی شویم دید بازتری نسبت به مسائل خواهیم داشت و تزامم های ارزشی‌ای که با آن‌ها مواجه می‌شویم کمتر شبیه دوراهی خواهند بود چرا که ما هدف اصلی خود را هم می‌شناسیم هم دائماً به یاد داریم. همچنین خدا بخش برای بسیاری از مشکلات ما را راهنمایی کرده یا راه پیدا کردن راه را نشانمان داده.

۲- ارتباط عمیق با انسان کامل

انسان در هر محیطی که قرار بگیرد خواه و ناخواه مثل گل در جوهر رنگ محیط را جذب می‌کند. انسانی که هدف خود را شناخته و نظام اخلاقی خود را حول آن چیده نیاز دارد هر کاری بکند که در این مسیر درست بماند. پس چه بهتر است انسان‌های کامل را پیدا کنیم و ارتباط روحی و فکری عمیق با آن‌ها بگیریم تا فرهنگ درست تفکر و همچنین اخلاق‌مداری را در سطحی بسیار درونی‌تر تثبیت کنیم. و به نظرم این ارتباط نباید لزوماً با انسان‌ها اطراف و زنده شکل بگیرد و می‌توان با خواندن کتاب این ارتباط هرچند یک طرفه را برقرار کرد.

۳- وسعت و عمق بخشی به افق دید

وسعت و عمق دید که در دو بخش پیشین نیز به آن اشاره شد حائز اهمیت بسیار زیادی است. چرا که در هر دو راهی و اکثر مواقع اگر شرع به داد ما نرسد کارها بر عهده عقل است. کسی که دید وسیع داشته باشد متوجه می‌شود که فرای منافع شخصی خودش انسان‌های دیگر نیز وجود دارند و چنین آدمی نه به خود نه به دیگران ظلم نمی‌کند و چیزی را برای بقیه می‌پسندد که که برای خود می‌پسندد. انسان با دید وسیع می‌فهمد که نیازهایش تنها در یک بعد نیستند و نه همچنین این جهان فقط مادیات نیست. عمق دید به وی کمک می‌کند نسبت به آنچه به عنوان مکتب انتخاب کرده باور عقلی نیز داشته باشد و بداند که هرکاری برای چه است و خروج از مسیر پیدا شده چیزی جز ضرر نیست.

دستیابی به نظام اخلاقی مطلوب؟

در طول درس بحث شد که نظام اخلاقی مطلوب معلول نظر همگان و قراردادهای اجتماعی نیست بلکه بر اساس واقعیت و مستقل از وجود انسان‌ها است هرچند که نسبی نسبت به قیود واقعی است. همچنین با پایه ریزی و استدلال قدم به قدم یاد گرفتیم که نمی‌توان مکتب اخلاقی نسبی گرا داشت و این که ارزش ذاتی چیست. با شناخت ارزش‌ها به شناسایی ویژگی هدف نهایی مطلوب پی بردیم و متناسب با آن نیازهایمان را شناختیم. سپس ویژگی هایی برای نظام اخلاقی مطلوب مطرح شد شامل نیاز به پاسخ‌گویی به مشکلات و کمک به رفع تزامم‌های اخلاقی و ... و در نهایت به نظام اخلاقی مطلوب که اخلاق اسلامی است دست یافتیم.

در ادامه از پایبندی به ارزش‌های یافته شده بیشتر صحبت می‌کنیم.

ریشه عدم پایبندی چیست؟

حال این که بعد مقدمه چینی و تحلیل و تحقیق و استدلال به نظام اخلاقی مناسب خود رسیدیم سوالی که پیش می‌آید این است که چرا ممکن است به آن پایبند نباشیم؟ یک احتمال این است که ریشه در ذهن آدمی داشته باشد و این که هنوز این باور در ما

درونی نشده شاست، و یک احتمال دیگر این است که پایبندی و به طور کلی اراده یک امری اکتسابی است و نیاز به ممارست دارد. در ادامه متن سعی بر تحلیل جوانب مطرح شده خواهیم کرد.

یک مسئله‌ای که وجود دارد این است که همان طور که اگر ما استدلالی را (کلاما یا در ظاهر) پذیرفتیم لزوماً نتیجه پایبندی به آن را نمی‌دهد، ریشه‌یابی دلایل عدم پایبندی هم به خودی خود منجر به حل مشکل نمی‌شوند اما پیش‌نیاز رفع یک معلول شناختن علت آن است.

درونی کردن باور

پیش‌تر دو حدس زده شدند که هر دو به گونه‌ای بیان از این دارند که باور به نیاز به انجام بعضی کارها با پذیرش اولیه آن‌ها لزوماً درونی نمی‌شود. تکرار کلامی آن چه که می‌خواهیم اتفاق بیفتد در درونی شدن آن می‌تواند نقش داشته باشد. به عبارتی اگر دائماً به خود یک سری ارزش‌ها را القا کنیم پس از مدتی آن باور درونی‌تر خواهد شد. دور از انتظار نیست که خانواده و اطرافیان تأثیری مشابه بتوانند ایجاد کنند. (منبع پاراگراف: خودم و صحبت با دیگران)

عادت‌ها

در ارتباط با ایجاد عادت‌ها و مهم‌تر از آن حفظ آن پژوهش‌هایی صورت گرفته. برای مثال گفته می‌شود عادت‌ها در ۲۱ روز شکل می‌گیرد و سخنان مشابه. اگرچه این حرف‌ها درست نیستند اما نکته‌هایی برای بیان دارند. یعنی آن چه که اتفاق نظر در آن وجود دارد این است حفظ هر عادت سه فاز سراسیمایی، سربالایی و مسیر یکنواخت را می‌گذراند و درست است که بعد گذر زمان و غلبه بر سربالایی عادت تثبیت شده است اما اگر دچار دلسردی یا تغییر شرایط و یا غرور شویم دوباره ممکن است در سربالایی قرار بگیریم. هرچند این بار راحت تر می‌توان به این عادت برگشت. در صورت درگیری با حفظ یک عادت (سربالایی) سه پیشنهاد می‌شود:

- ۱- به رسمت شناختن این که در چه مبارزه‌ای هستیم و این که باید آن را پشت سر گذاشت
 - ۲- از خود بپرسیم اگر این کار را بکنم چه حسی خواهم داشت؟ اگر نه چه؟
 - ۳- خود را در موقعیت قرار دهیم و تصور کنیم که اگر در زندگی خود تغییر ایجاد نکنیم (یا ترک عادت کنیم) چه اتفاق‌هایی در دورنگاه خواهد افتاد.
- (منبع: اینترنت، موضوع روانشناسی رهبری)

توضیح مختصری که درباره عادت‌ها انجام شد به این علت بود که داشتن خلق حسنه خود یک عادت است. پس نکات مطرح شده هنگام عملی کردن نظام اخلاقی به دست آمده قابل استفاده اند.

دور اندیشی

یک نکته‌ای که مطرح شد و ارزش بررسی عمیق تر دارد قرار دادن خود در موقعیت‌ها و تصور احساسمان در آن موقعیت فرضی است. طبیعتاً همان طور که بین عمل و نیت تناسب وجود دارد بین عمل و نتیجه نیز چنین است. زمانی که پای احساسات نیز در میان می‌آید، حس رضایت ناشی از انجام رفتار/اعمال نیکو و حس ناخوش ترک خلق خوب می‌تواند محرک ما در مسر حفظ عادات باشد. نکته مطرح شده هم مرتبط با “تکرار” یک عمل صحیح (این بار در ذهن) است و مرتبط با نیاز به داشتن دیدگاهی وسیع و عمیق. . حائز اهمیت است که این کار به عنوان یک تمرین و در تناوب می‌تواند انجام شود تا ما را به ایده‌ال خود نزدیک کند و نزدیک نگاه دارد.

درس گرفتن از خطا

برای پایبندی به مکتب اخلاقی دو کار می‌توان کرد، یا این که کارهایی پیش بگیریم تا از هر گونه خروج از مسیر جلوگیری کنیم. یا این که روشی داشته باشیم به محض خروج از مسیر، بهتر از قبل به آن باز گردیم. در حالت دوم می‌توان از هر آن چه تا کنون گفته شده استفاده کرد. این که حال در شرایط واقعی قرار گرفتیم چه باعث از ارزش‌هایی که داریم فاصله گرفتیم و این که اگر باز این شرایط پیش بیاید چه می‌توان کرد. می‌شود وضعیت را بازتصور کرد و دید اگر متفاوت عمل می‌کردیم چه حسی می‌داشتیم. و می‌توان وضعیت را تحلیل کرد و تمام عوامل و جوانب را بررسی کرد و به دنبال ریشه‌یابی آن مشکل و حل آن گشت. با انجام این کارها این بار دیگر برای مشکلات مشابه آماده تر خواهیم بود.

انسان‌های همراه

انسان‌های همراه می‌توانند نقش محیط، محرک و راهنما را ایفا کنند اما بیشتر از هر مورد خود وجود افراد دیگر از نظر روانی به ما در حفظ عزم و تعهد کمک خواهد کرد (نیازمند تحقیق).

کسب آگاهی

هر آنچه بیشتر تفکر کنیم و از جهات مختلف به یک حقیقت برسیم می‌تواند در درونی شدن آن باور کمک کند. همچنین آگاهی می‌تواند شامل روش‌ها و تجربیات دیگران باشد. آگاهی کامل از شرع نیز نکته‌ای مثبت است و در صورت عدم امکان، نیاز به دسترسی به شخص آگاه وجود خواهد داشت.

خود آگاهی

خیلی وقت‌ها صرف داشتن دانش کافی نیست. یک پزشک ممکن است سیگار بکشد و یک رهبر ایدئولوژیک می‌تواند گم شود. همان طور که ما در تمام عمر خود جسم و حواس خود را داریم اما گاه خودآگاهی کامل نداریم که چقدر اکنون به جسم یا کمر خود داریم فشار می‌آوریم و مثال‌های مشابه. پس مهم است وقت‌هایی را صرف افزایش خود آگاهی کنیم. هشیاری نسبت به اطراف تا حدی توسط باز ارزیابی شرایط می‌تواند انجام شود اما از آن مهم‌تر آن است که نور درون خود را روشن نگه داریم و ارتباط خود را با درون و بیرون خود قوی‌تر کنیم. معنویت، تقرب به خدا، خود شناسی و همچنین مدیتیشن می‌تواند به این مهم کمک کند.

زندگی روزمره و روزمرگی

همان‌طور که بارها به آن اشاره شد، چنان چه که به نظامی دست یافتیم و در مرحله بعد ارزش‌هایش را درونی کردیم، در مرتبه اول نیاز به عمل و همچنین نیاز به مراقبت و حفظ عادات داریم که این‌ها خود نیازمند مداومت در انجام یک سری روش و تحلیل‌ها وجود دارد. طبیعتاً در مسیر می‌توانیم به روش‌های جدید دست پیدا کنیم و ثبات خود را افزایش شدیم. چیزی که مهم است این است که مسیر خود را گم نکنیم و نسبت به آن چه اطرافمان است و آن چه انجام می‌دهیم آگاه باشیم.

دسته بندی

روش‌های مطرح شده را از چندین منظر می‌توان دسته بندی کرد. یک دسته‌بندی می‌تواند از جهت چیزی که ابتدا تحت تاثیر قرار می‌دهند باشد. همه آن‌ها هدف بر ایجاد پایبندی دارند. اما در یک دسته ابتدا محیط اطراف را عوض می‌کند (با هدف نفوذ آن به درون) و دیگری تغییراتی مستقیماً در درون خود انسان اعمال می‌کند. برای دسته اول روش‌های متنوعی وجود دارد و راحت‌تر درباره آن می‌توان نظر داد. دسته دوم می‌تواند تاثیر پایه‌ای بگذارد اما اگر محیط بیرون فراهم نباشد آن‌چه در انسان بالقوه شده ممکن است بالفعل نشود. و از طرفی اگر محیط فراهم باشد اما اگر از درون خود را آماده نکرده باشیم تاثیری نخواهیم پذیرفت. پس روش‌های هر دو دسته در کنار هم منجر به کسب نتیجه مطلوب خواهند شد. (منبع دسته بندی: مشورت با یک دوست و خودم)